

استطاعت دولت ایران از حفظ بیطرفی خود مجبور بوده است بایران اعزام دارد ننماید. و از طرفی هم دولت ایران مطالبه خساراتی را که وجود قشون مزبور در خاک ایران موجب میگردد نخواهد نمود. واضح است که این قرارداد فیما بین تقاضاهای اشخاص یا مؤسسات را که جدا گانه در تحت مطالعه گذاره میشود لغو نخواهد کرد. يك يادداشت از طرف حضرت اشرف بنام دولت ایران که حاکی از قبول این قرارداد داد باشد برای عقد قرارداد دولتین کفایت خواهد کرد.

سلیمان میرزا - این است آنچه گذشته است بر سر مملکت بدبخت ما در کابینه وثوق الدوله اگر دوسیه های خصوصی وزارت خارجه در دست باشد خیلی از این تلگرافات قشنگ را شاید بخوانیم بارها گفته شده که این قرارداد منحوس لغوشده و بنده تا حال اسمی از این قرارداد مالیه نشنیده بودم و حالا فرمودند چاپ شده بنده نمیدانستم حالا میشنوم البته آن قرارداد که لغو شده ضمیمه اش بطریق اولی لغو است ولیکن چون این راجع بمالیه است و از وظایف حتمیه عموم و کلاست و حتی و پنده هم که اعتبارنامه ام هنوز نگذشته چون مدعی الو کاله هستم عرض میکنم وظیفه عموم و کلاست که در عمل مالیه مداخله میکنند بنده استدعا دارم از تمام آقایان رفقای خودم که یقین دارم با بنده هم عقیده هستند بصدای بلند فریاد کنند که این قرارداد و سایر قراردادها لغو و ملغی و بهیچوجه رسمیت بآنها داده نمیشود و ساقط است (جمع کثیری تصدیق کردند) و مجلس شورای ملی با اتفاق کلمه این نوع قراردادها را منفور میدانند و عملاً اورا لغو و در اولین امکان برطلانش رأی خواهد داد.

مدرس - توضیح دارم.

رئیس - ده دقیقه تنفس میکنیم بعد از تنفس توضیح بدهید.

مدرس - خیلی مختصر است.

رئیس - بفرمائید.

مدرس - هر چند شاهزاده سلیمان میرزا در

ضمن فرمایشاتشان مطلب مرا يك نجویان دیگر فرمودند: اولاً بنده عرض کردم که این ۶۸۴ نفر موافقین قرار داد باید در محکمه محاکمه بشوند! مقصر! قاصر! کاسب! عمله! معین بشود و بهر کس بقدر تقصیر مجازات داده شود بنده منکر مجازات نیستم شما میفرمائید مجازات. مجازات میگویم این ۶۸۴ نفر را با عملیاتشان ضبط کرده ام که اگر يك مجلس شورای ملی برپا شود و يك حکومت ملی پیدا بشود اینها را باید در تحت محاکمه بکشند اما مقصر مجازاتی دارد. سیاسی مجازاتی دارد. قاصر مجازاتی دارد ناطق مجازاتی دارد. ساکت مجازاتی دارد پس آنرا باز تکرار میکنم که مقصر باید مجازات شود توبه گرك مرک است میگویم يك دولتی یا از روی تقصیر یا از روی قصورخواست بعقیده خود يك قرار دادی بگذارد و ملت هم آمدند و فریاد زدند مضر است مضر است عاقبت پیشرفت با ملت ضعیف شد این دخلی

بقانون انتخابات ندارد دخلی بصلاحت ندارد دخلی بقیام و اقدام برضد حکومت ملی ندارد دوست داریم که حضرت والا امروز که بمجلس آمده و انشاء الله همانطور که سی ماه با هم درس فرودیم بسادگی با هم داخل سیاست شویم انشاء الله مغالطه و مشتبه کاری نکنند شاید مردم خیال کنند که مجلس خیلی بد است ولی بعقیده بنده باین بدیها که مردم خیال میکنند نیست امید است با اتفاق کارهای بزرگ و سیاستهایی که شما ها میدانید نسبت بخارجه و داخله ازلاستیک در آمده مجدداً عرض میکنم مذهب من اجازه نمیدهد که مقصراً نباید مجازات داد میگویم محکمه که رسیدگی بکند که آقای وثوق الدوله عن تقصیر یا عن قصور این قرارداد را بس نفهمید و پیش بینی نکرد که این قرارداد هم از برای مامض است و هم برای همسایگان نتیجه او بر همسایگان این شد که تمام ایرانیان از انگلیس مکدر و متنفر شدند و ما هم فهمیدیم که بدیانت و استقلال ما ضرر دارد لهذا جلوگیری کردیم اگر دولتی قراردادی ببندد بر خلاف صلاح مملکت نمیتوان او را مصداق اقدام برخلاف حکومت ملی قرار داد هیچ مناسبت ندارد. (جمعی گفتند صحیح است) خواهش دارم اگر حضرت والا بقدر من آقای نصرت الدوله را نمیخواهند اسم دیگری رویش بگذارند غیر از اینکه قیام و (اقدام برضد حکومت) ملی نمودند اظهار دیگر بفرمایند من و حضرت والا مهاجرت کردیم به نیت خوب نتیجه بد درآمد تقصیر ما چه بود در بیابانها در جنگلها در دریاها سفر کردیم ما در جنگلها بلوط هم میخوردیم بامیدواری اینکه نتیجه او خوب شود چکنیم خدا نخواست تقصیر باکی است خدا شاهد است بایک عقیده صاف و پاکی بدولت و ملت رفتیم که چیزی برای ملت بیاوریم ولی نشد. وثوق الدوله با رفقای خود پیش بینی نکردند که این قرارداد مضر بدیانت و استقلال این آب و خاک است من و امثال من در همان ساعت اول این ضرر را ادراک کرده و عموم ملت موافقت کردند آقای طباطبائی که فرمودند قرض کردن و امتیاز دادن و و اقدام برضد حکومت ملی است خوب است دولتی را معرفی نمایند که برخلاف این مواد رفتار نکرده تا ما بگوئیم این اقدام برضد حکومت ملی است (گفته شد صحیح است) اشکالات راجع بانتخابات که فرمودند جواب آنها با آقای حاج شیخ اسدالله است اهتمام من بمسئله سیاست است که نصرت الدوله بجهت موافقت باقرار داد و صلاحیت و کالت مجلس شورای ملی خارج میشود یا خیر حضرت والا فرمودند قسم خوردیم من قسم خورده و قسم نخورده غیر واقع را نمیگویم نه اقدام میکنم و نه قبول میکنم.

رئیس - آقای مدرس باسم توضیح يك نطق مفصلی فرمودند ده دقیقه تنفس است.

(در این موقع آقایان نمایندگان از مجلس خارج شده و پس از یک ربع ساعت مجدداً مجلس تشکیل شد.)

رئیس - قصد بنده این بود که بعد از تنفس

مذاکرات اعاده شود بخیال آنکه امروز بخت مسئله که مطرح مذاکره بود موفق بشویم ولی معلوم میشود که عده آقایان ناطقین زیاد است اگر آقایان موافق باشند بقیه مذاکرات بماند برای روز سه شنبه.

محمد هاشم میرزا - بنده پیشنهاد میکنم فردا باشد.

رئیس - عده برای گرفتن رأی کافی نیست موافق معمول هم دوشنبه تعطیل است اگر آقایان موافق باشند بماند برای روز سه شنبه. يك مسئله دیگر را هم میخواستیم به آقایان تذکر بدیم و آن این است که چنانچه ملاحظه فرمودید این دو جلسه گذشته هیچ شباهتی بسایر مجالس نداشت و بنده عمداً از اجرای حدود و نظامات و اختیاراتیکه در نظامنامه قید شده صرف نظر کردم برای اینکه گفته نشود مانع آزادی نطق شده ام و میخواستیم تمام مطالب گفته بشود ولی از آقایان عموماً خواهش نمودم از بعضی عبارات که ممکن است سوء تفسیر بشود خودداری بفرمایند چون لفظ آدم کشی و بعضی عبارات دیگر گفته شد و بنده خیلی مایل هستم اینطور تصور نکنم که از روی اشتباه بوده و حاکی از حسیات آقایان ناطقین نبوده امیدوارم در جلسات دیگر رعایت این نکته کاملاً بشود که بنده مجبور نشوم متوسل بمفاد مواد نظامنامه داخلی بشوم و همانطوریکه دلخواه خودم است میخواهم طوری باشد که کاملاً از روی آزادی مطالب هر چه هست گفته بشود. جلسه آتیه را هم عرض کردم روز سه شنبه ۲۷ چهار ساعت قبل از ظهر خواهد بود.

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملک

جلسه ۶

صورت مشروح مجلس صبح یوم سه شنبه

۲۷ ذی قعدة ۱۳۳۹ مطابق

دهم اسد ۱۳۰۰

مجلس دوساعت ونیم قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید.

رئیس - صورت مجلس قرائت میشود (آقای مستشار السلطنه صورت مجلس را قرائت فرمودند).

رئیس - راجع بصورت مجلس مخالفی هست یا نیست؟

حاج شیخ اسدالله - راجع بخروج نمایندگان از مجلس برای تنفس با اجازه رئیس بوده نه به میل خودشان.

رئیس - تنفس بر حسب میل مجلس است نه بر حسب اجازه بنده.

مدرس - نسبت به توضیحی که در آخر مجلس عرض کردم در صورت مجلس هیچ اشاره نشده است.

رئیس - این صورت خلاصه است توضیحانی که فرمودید در صورت مشروح مجلس نوشته اند از ظهر به بعد در اطلاق تنفس حاضر خواهد بود هر يك از

آقایان بخواهند به نطق خودشان مراجعه و اصلاحاتی بفرمایند آنجا حضرات ولی در صورت مجلس تمام مطالب را نمی شود نوشت دیگر اعتراضی نیست (گفته شد خیر) .

رئیس - صورت مجلس تصویب شد در جلسه گذشته جمعی از آقایان اجازه نطق خواسته بودند ولی امروز همان آقایان اجازه خواستند که قبری تقدیم و تأخیر در اسامی هست چون مخالف و موافق را بنده دیده‌ام و با ایشان مذاکره کرده‌ام و راضی هستند باین ترتیبی که امروز اجازه خواستند نطق شود حالا اگر آقایان بخواهند به ترتیبی که در سابق اجازه گرفته بودند نطق کنند آنطور رفتار بشود و اگر مایل اند به ترتیبی که امروز نیز اجازه گرفته‌اند این ترتیب باشد و گمان می‌کنم چندان تفاوتی نداشته باشد (بعضی تصدیق کردند)

آقا سید یعقوب - اجازه بفرمائید که

رئیس - چه بفرمائید .

آقا سید یعقوب - بنده اجازه خواستم

که ...

رئیس - بنده اجازه نداده‌ام راجع بچه مسئله است .

آقا سید یعقوب - راجع باین ترتیب که فرمودید امروز اجازه خواسته شده است بنده مسبقاً نیستم .

رئیس - آنروز اینطور اجازه خواسته شده بود

آقای ملک الشعرا - سردار معظم - نصرت الدوله -

سلیمان میرزا - طباطبائی . ترتیب امروز این طور است نصرت الدوله - سردار معظم - حاج آقا آقا سید

فاضل - آقا سید یعقوب - سلیمان میرزا - طباطبائی .

سلیمان میرزا - ترتیب اجازه البته همین طور است که مرقوم فرمودید ولی بنده لازم نمی‌دانم این

مسئله را خاطر نشان کنم که موافق نظامنامه داخلی

همیشه موافق و مخالف یکی بعد از دیگری نطق

میکنند طبیعی است که باید این نکته مراعات شود

در اینصورت که خواننده شد چند موافق مقدم بودند که مخالف بعد از آن می‌کنند که ...

رئیس - اول آقای نصرت الدوله نطق

میکنند و بعد چون گمان می‌کنم آقای سردار معظم و

آقای حاج آقا و آقا سید یعقوب و آقا سید فاضل موافق

هستند و بعد از یک موافق آقای طباطبائی

نصرت الدوله - در بنو مذاکره لازم

میدانم بگویم چقدر متأسفم از اینکه در اول افتتاح

دوره چهارم مجلس و قبل از این که این مجلس برسمیت

دائر شود و موفق با یفای چند فقره از وظایفی بگذرد

که این ملت با کمال نگرانی انتظار او را دارند باز در این

مسئولیت بعد از آنهایی که این باب را افتتاح کردند و مقدم در این امر شده‌اند چند کلمه ساده‌ام برای دفاع خود می‌خواهم عرض بکنم این دفاع بیشتر معطوف به مسائل خصوصی که راجع بخودم است خواهد بود در مسائل سیاسی دفاع را به رفقای خود واگذار می‌کنم زیرا آنها بیشتر با خونسردی قادر به محاکمه این قضایا خواهند بود در مقدمه اجازه می‌خواهم با کمال ادب به حضرت آقای مدرس عرض کنم که با طرز نطق پرریوز ایشان موافقم نیستم و بعد داخل در مدافعه خودم می‌شوم راجع بآن قسمتی که مربوط بحریان انتخابات و تطبیق او با قانون بود مداخله نمی‌کنم فقط یک گوشه در نطق آقای طباطبائی بود راجع به وجود یک کمیسیون انتخاباتی در زمان آقای وثوق الدوله و مرا هم عضو آن معرفی کرده‌اند نویابن مسئله را تکذیب می‌کنم بنده بهیچ وجه اطلاع از وجود چنین کمیسویی نداشته و ندارم حال اگر در موقع انتخاب خودشان اطلاع از وجود چنین کمیسویی پیدا کرده‌اند نمی‌دانم اما راجع به صلاحیت شخص خود من و اعتراضاتی که بآن میشود اولاً می‌خواهم نظر آقایان را بتوجه به نطق آقایان معترضین بکنم و متذکر شوم که حتی در پارلمان و حتی در موقع مهمی که سیاست شش ساله دوره فترت مطرح است و سخن از آن رانده میشود حتی در موقعیکه اعتبارات یک نفر از و کلا در معرض حمله و هجوم است حتی در موقعیکه در نتیجه این قضاوت حکم صادره از این مقام به تمام زمامداران این دوره طولانی فترت تطبیق خواهد شد (گفته شد صحیح است) در یک همچو موقع مهمی باز مسائل بتقریب و با بهام و بالاخره با اشتباه کاری میگذرد عیالتاً برای محاکمه یک چنین امر مهمی آقایان اولاً انشاء یک اصل از طرف خودشان می‌کنند راجع بامضای قرارداد و بعد خواندن تلگراف دولت آمریکا را بسفارت خود مدرک تحقیقات خودشان قرار میدهند و برای قطعات این نطق عجیب به هدایات من در اروپا استشهاده می‌کنند بدون اینکه بدانند یا بگویند من چه کاره بودم عملیات من در چه مسائل بوده است چه کرده‌ام اطلاعات آقایان بدرجه از روی تحقیق است که شاهزاده سلیمان میرزا مرا قبل از رفتن باروپا وزیر خارجه فرض کرده و اعتراض می‌کنند چرا با هیئت اعزامیه که در تحت ریاست مشاور الممالک باروپا رفته بود همراهی نکردی و با آنکه یک ورقه را که در موقع خودش چاپ شده و با اطلاع عموم رسیده دست میگیرند و با یک همه‌مه مهب و خطرناکی و با یک عظمت فوق‌العاده اظهار می‌کنند که من این ورقه را در مجلس مخفی خواهم خواند مخفی بعد از چاپ آنهم چه فراری قراریکه بموجب اراده امضاء کنندگان همان قرار بموقع اجرا گذارده شد این است آقایان متأسفانه طرز اخلاقی ما و با این وضعیت می‌خواهم امور خودمان را اداره کنیم و در مقابل هجوم و مخاطره دشمن‌های

قوی پنجه خارجی خودمان با این اخلاق می‌خواهم مقاومت کنیم این است وضع محاکمه کردن ما در طی مذاکرات چند دفعه شاهزاده سلیمان میرزا به دوسیه‌های وزارت خارجه اشاره می‌کنند بلی منم مایلیم که آن دوسیه‌ها در مرکزی ملاحظه و بادوسیه‌های دیگری مقایسه شود من مدعی هستم که در موقع مأموریت خودم در اروپا که از نقطه نظر سیاسی ریاست هیئت اعزامیه دولت ایران به کنفرانس صلح عمومی و مسائل مربوط به مجمع بین‌المللی بود خدمتاتی به این مملکت کرده‌ام که باید قدر بشناسید ولی افسوس کو باز پرس هیچکس در این مدت از من نپرسید که کجا رفتید کجا بودید چه گفتید چه شنیدید باری از این کلیات بگذریم و به تهمت‌ها و افتراهای دیگری هم که در ضمن مذاکرات با نیش‌های زهر آلود پرتاب میشد بمصداق مروا کراماً مراجعه نمی‌کنم حتی شاهزاده سلیمان میرزا را هم متذکر نمی‌کنم که همدوش و هم صدای با آقای طباطبائی و شرکای ایشان بمن رفیق سیدضیاء می‌گوید اگر من مثل همه شماها قبل از این قضایا با او آشنائی یا رفاقت داشتم آقای طباطبائی و شرکای ایشان رفیق آقای سید ضیاء الدین در کابینه سپهدار و کمیته‌ها و در حکومت کودتا بودند (صحیح است)

این مسئله از مسائلی است که محتاج بدلیل و برهان نیست و از هر بجه که در این شهر سؤال بفرمائید این مسئله را تصدیق می‌کنند آقایان بمن اعتراض می‌کنند که در قرارداد وثوق الدوله شرکت داشته‌ام بلی من انکار ندارم از این مقدمه چه نتیجه می‌خواهید بگیرید اگر مقصود این است که این سیاست را جماعتی یا عموم مردم مضربحالاً بمملکت میدانستند و میدانند و باید زمام داران و سیاستمداران آن موقع در تحت محاکمه و رسیدگی بیایند تا معلوم شود که در این سیاست‌خاخن بوده‌اند مقصر بوده‌اند و یا نظر به مقتضیات وقت بموجب مسئولیتی که داشته‌اند

اتخاذ سیاستی نموده‌اند بعبارة اخیری این ترتیب همین اظهاری است که آقای مدرس فرمودند من که منکر نیستم و بنده از طرف خودم قبول این کار را می‌کنم ولی تمام هم کارهای من آقای طباطبائی باید در این محاکمه حاضر باشند اگر می‌خواهید بگویند که مجرد امضای قرار داد بدون تحقیق و معاکمه اقدام و قیام برضد حکومت ملی است این مسئله کاشف از بی اطلاعی و ناشی از غرض است یک دولتی در ایام غیبت مجلس (موجبات این غیبت چه بوده وجه مسائل وجه اشخاص بدبختی این مملکت شده اند من کار باین کارها ندارم و آنرا در موقع خودش دیگران خواهند گفت یکدولتی با مسئولیت خودش یک سیاستی را اختیار می‌کند و آن سیاست را موکول بتصویب مجلس شورایی می‌نماید اگر حضرت والا نطقهای بنده را ملاحظه فرموده‌اید و بتمام نطقهای من در اروپا دقت فرموده‌اید چرا این مسئله را نمی‌فرمائید و اگر فراموش

کرده‌اید مراجعه تان بدهم بروزنامه تان مورخه ۱۱ اکتبر ۱۹۱۹ در آنجا خواهید دید که من علناً و رسماً با صدای بلند در تمام اروپا در معرض افکار عمومی دنیا گفته‌ام که این قرار داد که بسته شده مابین کابینه و وثوق الدوله و دولت انگلیس قرارداد موقتی است و قطعیت او موکول به تصویب مجلس شورایی است یک دولتی که از یکطرف این سیاست را اتخاذ نموده و از طرف دیگر خودش مشغول به انتخابات بشود و دو سال دوره عمر خود را بتکمیل همین انتخاباتی که یکی از آنها مورد اعتراضات آقایان است مصروف بدارد یک همچنین دولتی اقدام و قیام برضد حکومت ملی نموده در صورتیکه آنهایی که از قبیل شاهزاده سلیمان میرزا و آقای طباطبائی که قائم قوم شدند و برخلاف سیاست بیطرفی دولت ایران در جنگ سیاست تصویب مجلس شورایی و سیاست ملی و رسمی این مملکت بود تجهیز سلاح کرده‌اند آنها مقامشان میری است از قیام کردن برضد حکومت ملی آقای طباطبائی در نطق خودشان مواردی را که در کابینه و وثوق الدوله اصول قانون اساسی نقض شده است ذکر می‌کنند احترام مجلس مقدس و احترام اصول مشروطیت مرا ممنوع میدارد از مقایسه این امر با دوره‌های تمام داران تمام کابینه‌های دیگر ایام طولانی فترت در این موقع می‌خواهم از آقای طباطبائی سؤال کنم که چه شده است ایشان و بعد از ایشان حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا در کابینه و وثوق الدوله فقط بذکر سه نفر قناعت کردند آقای طباطبائی حقوق شناسی شما وفاداری شما یاس محبت که از اخلاق حسنه شما است شاید شمارا مجبور باین کرده است ولی من اجازه می‌خواهم در مقام مدافعه از خودم بگویم در نتیجه قرارداد که با دولت انگلیس نماینده او مبادله شده است امضاء شخص وثوق الدوله تنها بوده است حتی من که در آنروز وزیر خارجه بودم امضای من در پای آن قرارداد نیست اما ثبوت این قرارداد عیناً و تماماً مطابق الفعل بالتعل بامضاء تمام وزراء کابینه و وثوق الدوله که یکی از آنها بنده هستم و یکی آقای سپهدار اعظم آقای مشار الملک آقای محاسب الممالک و دیگران هستند امضای من در این ملاحظه می‌خواهم ببینیم چقدر در موقع مؤاخذة بخواهید تشخیص و تمیزی بدهید شخصیت سه نفر اگر مسلم باشد مانع از مسئولیت مشترک در یک کابینه نیست وهمه وزراء امضاء کننده در هر مقام در عرض هم واقفند بملامه چیز دیگری عرض می‌کنم مسئولیت منحصر به یک دسته از وزراء نیست همه وزراء وهمه دستجات همه در مقام مسئولیت در مقابل ملت بر طبق اصول مشروطیت به تساوی مسئولند بیش از این نمی‌خواهم خاطر آقایان را تصدیق داده باشم ولی قبل از اینکه بجای خودم بر گردم و منتظر شنیدن فرمایشاتی باشم که مرا مجدداً شاید به پشت این تریبون بیاورد و باز اگر عرایضی داشته باشم بکنم می‌خواهم در پیشگاه نمایندگان ملت که در اینجا حاضرند و در معرض افکار عمومی ایران این مسئله را بنده‌ای بلند

بگویم که من آنروزی که بیان حقیقت را امضاء کردم انتظار این جواب را داشتم (گفتند صحیح است) من آنروزیکه مصالح مملکت خود را در جلو گیری از نفوذ و دخالت سیاست انگلیس تشخیص دادم و باین امر مصمم کردم خودم را از برای هر نوع خرابی حاضر کردم (گفتند احسن است) و باید بگویم من اطمینان به قضاوت بیطرفانه و به وجدان آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی دارم و مطمئن هستم اما اگر هم این اطمینان حاصل نبود خوب است معارضین داخلی و خارجی من بدانند که اگر از این مجلس خارج می‌شدم در هر کجا و بهر وسیله تا آخرین نفس خودم از موقعی که صلاحیت این مملکت و صلاحیت ملت خودم را در این سیاست تشخیص دادم میکوشیدم و وسائلی هم الحداثه دارا هستم که شاید آن وسائل هم کمتر از و کالت مجلس شورای ملی نیست (گفتند احسن است)

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - ابتدا شاهزاده نصرت الدوله

فرمایشاتی فرمودند که میتوانم آن فرمایشات را به چند

قسمت تقسیم کنم قسمت اول مقدمه فرمایشات ایشان

بود که حاکی از یک مسائلی است که بهیچ وجه راجع

به شخص بنده صدق نمی‌کند و جداً او را تکذیب می‌کنم

مسئله اول که قید فرمودند کشمکش‌های شخصی چون

بنده خیلی متکی به حکمت افکار عامه و نمایندگان

ملت هستم و البته همینطور هم هست افکار عامه محققاً

حکمت بیطرفانه می‌کنند و اگر هم فرضاً حالا آن

حکمت کاملاً مجری نشود در آتیه مجری خواهد شد

کشمکش‌های شخصی که فرمودند به عبارت اخیری

کشمکش‌های سلیمان میرزا و فیروز میرزا یا شاهزاده

نصرت الدوله (می‌خواهم بدانم و به پرسم از شخصی

شخص ایشان که در تمام این مدت بنده با ایشان چه

رقابت شخصی داشته‌ام که کشمکش‌های شخصی نام

می‌گذارند آیا وزیر می‌خواهم بشوم آیا می‌خواهم مثل

ایشان یکی از اعیان و اشراف بشوم که بعمده الله اگر

شاهزادگی خود شرافت است بنده شاهزاده ام در

مسئله شاهزادگی مزیتی ندارند و به عقیده بنده تمام

اشخاص بزرگ عالم از انبیاء و فلاسفه و اشخاصیکه

حکمت هر چیز را از روی صحت کرده‌اند افتخار هم

به تمول نیست و بیغمیرا کرم صلی الله علیه و آله همیشه

میفرمودند (الفخر فخری) و بنده هم باین افتخار دارم

قبیل حاج میرزا ابراهیم مرحوم و میرزا جهانگیر خان مرحوم و ملک المتکلمین مرحوم و آقا سید جمال مرحوم و سایر عده مرحومین که همه میدانند آنوقت سلیمان میرزا طرف دار مشروطیت بود در آن وقت حضرت والا در کدام طرف مملکت بوده و چه می‌کرد آنوقت سلیمان میرزا کجا بود و ایشان کجا بودند غرض شخصی نیست این کشمکش هست نه تنها بانصرت الدوله بلکه بنده با تمام اشخاصی که مخالف سیاست آزادی ملت و سیاست حمایت فقرا و ضعفا هستند همیشه آن‌ها را در تحت فشار می‌خواهند مخالف هستم سلیمان میرزا و رفقای او تا آخرین قطره خون خودشان (رجز نمی‌خوانم) در تمام دوره با زمامداران ایشان اقدام کرده و خواهند کرد همیشه برضد اعیانیت و اشرافیت و اقبال کردن حقوق اشرافیت و حفظ حقوق فقرا و عامه بوده و هستند (گفته شد صحیح است) بله همیشه بر علیه تمام این ترتیبات بودم بر گردیم به مسئله مجلس اول و توپ بستن مجلس به بیستم آنوقت که مجلس را توپ بستند و عده مخصوصی در باغشاه گرفتار بودند حضرت اقدس والا در کجا و در چه حال بودند و پدر والا گوهرشان موقع آمدن مجاهدین بطهران وزیر کدام کابینه بودند وزیر داخله کی بود سلیمان میرزا بود یا پدر گرامی ایشان شاهزاده فرمان فرما آیا آنوقت که سایر آزادی‌خواهان در باغ شاه محبوس بودند ایشان هم محبوس بودند بله از آنوقت یک طرفت عقیده درین ما است و خواهد بود تا اینکه عقیدشان بامن یکی شود بنده هیچوقت با فیروز میرزا یا شاهزاده نصرت الدوله رقابت و کشمکش‌های شخصی ندارم اگر دارم بفرمائید آیا از حیث مقام دارم از حیث سایر ترتیبات زندگانی دارم گفتگوهای ملکی و ارضی دارم بنده هیچ فرض شخصی با ایشان نداشته و ندارم مسئله را می‌آوریم تا تاریخ جلوس دوره دوم مجلس شاید باز گفته شود که این کشمکش‌های شخصی سلیمان میرزا بواسطه سابقه با فرمانفرما بوده بلی بنده در مجلس استیضاح از شاهزاده فرمانفرما کردم بنده و رفقا در پشت کرسی همین خطابه از او استیضاح کردیم اگر این را کشمکش شخصی نام می‌گذارند چه عرض کنم باز بر گردیم به ایام فترت از آقایان خیلی هنر می‌خواهم مسئله مهاجرت را می‌خواهم عرض کنم در این خصوص شاید بنده امروز شش

هفت ساعت وقت آقایان را بگیرم و معطلشان می‌خواهم بکنم زیرا یک تاریخی را بطور کتابه گفتند و بنده هم مجبور جواب بدهم صحبت در مسئله آنتریک سیاسی است (آنتریک سیاسی بسیار خوب لفظی است) اتهامات هم در خارج خیلی هست چنانچه آقای سردار معظم هم در چند روز قبل در موضوع اعتبار نامه سلطان محمد خان فرموده‌اند و گویا در روزنامه ایران هست که (هنوز بقیه تهمت‌ها راجع بمجلس شورایی بگوشتان می‌خورند البته همیشه از برای خراب کردن دسته مخالف یک رشته حرف‌ها در عکار هست) بسیار حرفی است بقاعده بنده هم تصدیق می‌کنم حالا بر گردیم بتهمت‌ها که در طرفین موجود

و بعضی میرزای مرحوم و سایر شهدای راه آزادی از

و بعضی میرزای مرحوم و سایر شهدای راه آزادی از

است آن تهمتی که بنده به شخص نصرت الدوله زده‌ام يك تهمتی است که همه میدانند عجباً خیلی تهمت بی اساسی است یعنی گفته‌ام که آقایان يك قراردادى امضاء کرده اند که آن قرارداد برخلاف حکومت ملی بوده است و عامه مردم از اول که این قرار داد بسته شده از داخله مملکت باوجود اینکه حکومت نظامی بوده و فشار قوه طرف مقابل با سرنیزه بوده باهمه این ترتیبات بدون ملاحظه يك جماعتی بر علیه این قرارداد صحبت کردند آنچه دیدند آنچه را که امروز می بینند که طرف حمله بنده است روزنامه رعد در آن تاریخ نوشته و آقایان خوانده اند مینویسد این اشخاص یارازیت و يك اشخاص فریب و عجیبی هستند که هیچوقت به انتظام مملکت راضی نیستند و همیشه در فکر این هستند که مملکت را بهرح و مرج بیاندازند يك چنین اشخاصی بودند که در زیر فشار سرنیزه حکومت مقتدر آنوقت که در همه جا دست داشت ناله واقعی این ملت را فدا کارانه اظهار میکردند و عقیده خودشان را میگفتند که این قرارداد برخلاف حکومت ملی است و با قرار دهندگان موافقت نداشتند چنانچه در آن روزنامه مخصوصاً در بیانیه آقای رئیس الوزراء مراجعه بفرمائید خواهید دید که این عده معدود در ردیف نایب حسین کاشی بوده و همیشه مملکت را مغشوش کرده اند (زیرا که گفته اند قرارداد مطابق صرفه مملکت نیست) و همیشه مشغول آتزیك کردن هستند از این قبیل اتهامات از برای این بدبختیها خیلی بوده و بالاخره نتیجه اش این شد که پنج نفر از آنها را که از همه معروف تر بودند یعنی آقای حاج مستشار السلطنه حاج معین التجار بوشهری ممتاز- الملك و ممتاز الدوله دیگری را فراموش کرده ام و اسمش در نظرم نیست شاید آقای مستشار الدوله باشد این پنج نفر را بکاشان تبعید و توقیف کرده اند اینها يك پنج نفری بودند که توانسته اند از روی واقع در يك موقعی بگویند آقایان ما همه زندگانی و حیات ملیت خودمان را تقدیم میکنیم و زحمت کشیده ایم هر کدام از این پنج نفر مخصوصاً آقای حاج مستشار السلطنه و بالاخص آقای حاج معین التجار بوشهری مستشار الدوله و ممتاز الدوله اشخاصی نیستند که خدماتشان در دوره مشروطیت معلوم نباشد و همچنین در دوره و کالت غیر آن این اشخاص بیچاره مخصوصاً حاج معین التجار بوشهری که شاید قسمتی از دارائی خود را هم روی اینکار گذاشته (حالا کاری بزحمات و خدمات مستشار الدوله و ممتاز الدوله نداریم زیرا که همه میدانند تا زبان باز کردند که اظهار بکنند آقایان این قرارداد بر خلاف منافع ملی است فوراً آقایان یارازیت شدند و بدسائس و آتزیك خارجی متهم شده مورد کشمکش و اغراض شخصی شدند) مخصوصاً بیانیه را به بینید خواهید دید که در آنجا افت معدودی را آقای رئیس الوزراء تکرار فرموده اند معدودی مفسده جو ، معدودی، مفتخور ، معدودی جاه طلب ، معدودی آشوب طلب و معدودی آتزیك باز این اشخاص میخواهند هر روزی يك حرفی بر ضرر حکومت بگویند بیچاره افراد اهالی بیچاره قرا و ضعیفی

مملکت اهل صنعت و کسبه و دیگران و دیگران آیا وقتیکه دیدند با يك شخصی مثل حاج معین التجار بوشهری که اولین تاجر مملکت و با استعداد و استطاعت آنها است بواسطه يك کلمه حرف چنین رفتار میکنند آیا دیگران جرأت نفس کشیدن دارند که میگویند مملکت بدبخت ما را با این قرار داد زیر و رو کنند بگویند ما ما هم مشاوره کنید جواب خواهند فرمود منم در سایر جاها در اروپا گفته ام که این قرارداد بتصویب مجلس شورای ملی خواهد رسید و بعد مجری خواهد شد بسیار خوب بقولن بافواهم مالیس فی قلوبهم يك چیز هائی فرمودند که به آن عمل نکردند اگر حقیقتاً مقصودشان این بود که قرارداد را پس از تصویب مجلس شورای ملی بموقع عمل بیاید و مجلس شورای ملی را همانطور که فرمودند سعی در افتتاحش می فرمودند پس چرا در این دو سال بموقع اجرا گذاشتند چیزی را که مجلس شورای ملی هنوز تصویب نکرده و ردو قبولش معلوم نیست (شاید ترتیب وزارتی اینطور باشد و بنده از ترتیب وزارتی مسبق نباشم چون وزیر نبودم نمیخواهم بشوم و زمینه اش برای بنده فراهم نیست) با این ترتیبات هنوز مجلس باز نشده و بتصویب نرسیده شروع باستخدام میکنند و مهمترین مواد این قرارداد را بموقع اجرا میگذارند (امروز باید تمام این حرفها را رد قبول تمام این آقایان این روزها يك روز هائی است که پرده از روی کارها برداشته میشود) در مملکت دو چیز مهم است که اگر این دو چیز را نداشته باشیم نمی دانم آنوقت از استقلال مملکت چه باقی خواهد ماند آن دو چیز یکی مالیه مملکت است که از خصائص اولیه مجلس شورای ملی است که بدون مجلس شورای ملی و بدون اطلاع آن يك ترتیب خاصی برایش معمول داشتند يك مستشاری استخدام کردند که شاید بازم آن مستشارها در وزارت مالیه هستند (جمعی اظهار نمودند نیستند آقا)

سلیمان میرزا - انشاء الله نباشند اگر آقایان اجازه میدهند بنده حرف بزنم و گر نه حرف نزنم
محمد هاشم میرزا - لازم بود که بگویند نیست

سلیمان میرزا - این لازم را بعد اجازه گرفته میفرمودید چون برخلاف نظام نامه داخلی است که در وسط نطق یکی حرف بزنند یادآوری نمودم بهرحال عرض میکنم بر فرص که از چند روز قبل نباشند شاید در زمان کابینه اسبق این مستشارها بوده اند و شاید این هم یکی از تهمت ها باشد که میزنند اهالی که هیچ ندیده اند و هیچ نمی بینند و نمی دانند که مستشار در مملکتشان هست یا خیر يك سلیمان میرزائی اینجا يك تهمت هائی میزند (گفته شد صحیح است) و همچنین صاحب منصبان نظام بسیار خوب آوردند يك مملکتی که نظامش در تحت تصرف خودش نباشد (الحمد لله که امروز هست و بسیار باید متشکرو ممنون بود و همیشه باید دعا کرد که سایه اعلیحضرت قدر قدرت همایونی که یگانه امپدواری مملکت است بر سر این مملکت باقی و برقرار باشد که در تمام

اوقات و مطابق قسمی که در مجلس شورای ملی یاد فرموده اند يك سلطان مشروطه خواه و حافظ مشروطه و استقلال مملکت هستند خداوند این یگانه مایه افتخار را از ایران نگیرد (گفته شد انشاء الله) و همیشه ایشان را موفق بدارد چنانچه در سابق همیشه موافق اساس مشروطیت اقدام کرده اند بازم مملکت بوجود چنین پادشاه جوان بختی ترقیات و پیشرفتهای واقعی نماید) باری فعلاً شاید مستشار نیست ولیکن خود بنده يك عده از اروپائیها را که بلباس اونفورم ژاندارم مجلس بودند دیدم غیر از صاحب منصبان سوئدی چون آنها را می شناسم باری مقصود از آتزیك سیاسی است در ضمن هم احراز مقام بسیار خوب آیا بنده در دوره مشروطیت کدام مقام را احراز کرده ام بنده که غیر از احراز مقام کتک خوردن دیگر احراز مقامی از برای خودم تا بحال ندیده ام اگر بیک وقت هم در مجلس بنام اقلیت حرف میزدم معلوم است همیشه اقلیت توسری خور اکثریت بوده احراز این مقام هر يك مقدمه بود برای کتک خوردن نه درصد دوزارتی یا حکومتی نه ریاست وزارتی بودم و نه درصد سایر مقامات یا آنکه شاید درصد بودم ولایق نبودم به بنده ندادند در هر صورت پس حالا تازه در موقعیکه هیچ تشکیلات سیاسی در کار نیست و بنده منسوب به هیچ يك از تشکیلات سیاسی نیستم و از تشکیلات سیاسی اول هم بواسطه عملیاتی که کرده اند خودم را بکلی بری می دانم و هیچوقت این اسم را روی خودم نخواهم گذاشت و هیچوقت خودم را مسئول نمیکنم یکنفرو کیل ساده هستم و در مجلس آمده ام اظهار عقیده کنم در تمام دنیا برای یکنفرو کیل حق استفاده از این منبر نطق هست که حرفهای خود را آزادانه بگویم و اگر اکثریت قبول کرد فتم المطلوب و اگر اکثریت آنروز متأسفانه آنرا بر خلاف خودش دید آنوقت افکار عامه حکمت واقعی می کنند شاید در انتخابات آتیبه آن يك نفر وکیل دو نفر همراه پیدا کند بنا بر این من هم یکنفرو کیل هستم اتکائی بسایرین ندارم جلساتی و هیئتی هم در خارج و داخل نداشته و ندارم و اگر يك کسی جلسات و هیئتی برای بنده فرض کرده بگویند فقط همین دو روزی که آمدم به مجلس یکی دو مرتبه آقای مساوات و آقای تنکابنی را دیده ام این است که در این مجلس حرف خودم را میزنم اگر من امروز بگویم این قرار داد بر ضرر مملکت بوده و بواسطه موادی که دارد برخلاف قانون اساسی بوده باید بمان فحش هائیکه در زمان آن کابینه در زمان قرار داد منحوس مردم گرفتار بودند بنده هم گرفتار باشم و بمن بگویند (آتزیك سیاسی) خوب اگر اینطور است که دیگر اظهار عقیده از میان میروند حضرت والا يك قدری اظهار تأسف فرمودند و مسئولیت را از خودشان خارج کردند از اینکه در این موقع که موقع رسیدگی به اعتبار نامه ها است و کارهای مهم از برای مملکت هست داخل يك صحبت ها و کشمکش های شخصی

شده ایم بنده از این نصیحت تعجب میکنم کدام کشمکش شخصی در این موقع که اعتبار نامه ایشان مطرح است در کار بودن ایشان را در کابینه و توفیق الدوله میگویم در یکی از فرمایشاتشان میفرمودند که چرا اسم چهار نفر را بنده بر دم عرض کردم سه نفر در کابینه هیئت عامله بودند و یکنفر هم در خارج هیئت عامله این قرار داد بود البته بنده هم کمال موافقت را با ایشان در این مطلب دارم که تمام افراد آن کابینه مشغول هستند و تمام اشخاصیکه در دوره فترت یا در دوره هم که مجلس متصدی امور میشود يك مسئولیت وزارتی یا غیر آن را در مملکت قبول میکنند هر کدام علی قدر مراتبهم مشغولند وزراء مشغول مجلس شورای ملی هستند اجراء ادارات مشغول وزیر و ترتیب اداری که دارند هستند البته مملکتی که مشروطه باشد شامل مسئولیت است و محققاً منظور که فرمودند مسئولیت برای تمام اعضاء کابینه است و بنده با ایشان کاملاً موافق هستم و برای هیچيك از آنها استثناء قائل نیستم و همچنین نسبت به اشخاصیکه این اقدام را کرده اند کاملاً با آقای مدرس موافقم که فرمودند شصت و هشتاد و چهار (۶۸۴) نفر در موضوع قرار داد کار کردند ولی بنده اسامی آنها را نمیدانم و فعلاً اعتبار نامه ۶۸۴ نفر در کار نیست که بنده نسبت به ۶۸۴ نفر حرف بزنم حالا یکی از آن عده اینجا است یعنی اعتبار نامه اش و فعلاً اینجا تشریف دارند آقای مدرس میفرمایند ۱۸ نفر در این مجلس هستند بنده آنها را تماماً نمی شناسم خیلی ها از من این مطلب را می پرسیدند که این ۱۸ نفر کی ها هستند شاید عده شان را بشناسم ولی تمامشان را نمی شناسم خوب است يك وقتی دیگر اگر ممکن است اسامی آنها را آقای مدرس میفرمایند چون مردم منتظرند این ۱۸ نفر را بشناسند.

مدرس - در توقمش عرض میکنم.

سلیمان میرزا - هر کسی میخواهد باشد هیچوقت مقام دوستی و غرض شخصی نیست هر کس ولو اینکه اول شخص فامیل من باشد مثل پدر و برادر یا او هم مخالفم این صدا از دهن هر کس بیرون بیاید و بر خلاف حکومت ملی قیام کند یا يك قرار دادی بگذارد بنده چون ادعا میکنم یکی از و کلاه ملت هستم (ولو اینکه هنوز این حق را ندارم شاید اعتبار نامه بنده رد شود فعلاً تا هنوز اعتبار نامه بنده مطرح نشده حق دارم بگویم) هر کس طرف دار این قرار داد باشد بنده با او مخالفت میکنم دیگر اینکه در نطقشان فرمودند بنده اطلاعاتم ناقص است بنده آنروز عرض کردم که کاش دوسیه وزارت خارج باشد تا مطلب کاملاً معلوم شود شاید يك تلگرافی فرموده اند که اطلاعات بنده از آن جهت ناقص باشد بلی اطلاعات بنده ناقص است تصدیق میکنم لکن باندازه اطلاعات خردم عرض کردم البته وزیر نبودم که بتوانم دوسیه های وزارت خارج را به بینم البته ایشان خوب آگاه هستند و بسیار خوب میدانند تکه هائی را در زمان اقتدار خودشان

رعدناشرا افکارشان منتشر کرده یکی دو تا از آن تکه ها را خواندم که یکی تلگراف سفارت آمریکا بود و یکی قرارداد مالیه که فرمودند چاپ شده (بنده نمی دانستم تقصیری بر من نیست چون در این جانبوم) اینکه تهمت نیست آنروز بنده عرض کردم در موقعیکه تشریف بردند به اروپا بسمت وزارت خارجه در آنجا اقامت نمودند در موقع خودشان و نطقی که در سر میز صیافت فرموده اند شاید همانطور که خودشان بعد از مجلس به بنده فرمودند من مقصودم از آن نسبت دروغ بشخص شما مقصودم روزنامه بود شاید نویسنده که در آن مجلس بوده یا روزنامه دروغ نوشته بنده هم عرض کردم شاید اشتباه شده و در روزنامه دروغ نوشته شده اگر آن روز نامه هم دروغ نوشته است حضرت والا دوسیه عملیاتشان ناطق است فرمودند بایک آب و تابی جلوه دادم بلی همانطور که خودشان فرمایشاتشان را با آب و تاب فرمودند بنده هم همانطور آن روزنامه با آب و تاب آن تلگراف را قرائت کردم بجهت اینکه خودم در روز نامه آنرا نخوانده بودم اینهم که بحمد الله يك کشمکش خصوصی نبود مطلب چاپ شده تا یک اندازه همه دیده اند فقط یگانه استماعی که دارم اگر مصلحت میدانند (فعلاً که این مسئله مطرح شده و در حقیقت همانطور که فرمودند راجع به سیاست خارجه آن دوره داخل يك حکیمیتی میشویم گمان میکنم که ضرری هم نداشته باشد که فرضاً در آن موضوع يك هفته هم حرف بزنیم چون مسئله خیلی مهم است) بنده خیلی مایلم که ایشان اقدامات و خدماتشان را که در اروپا کرده اند بفرمایند فرمودند خیلی متأسف هستم که چرا هیچ بازپرسی نیست که قدر ایشان معلوم شود و همه بدانند خیلی خوب حالا یکی از آن مواقع است خدمات خودشان را شروع کنند بشمردن و اثبات بفرمایند آنوقت بالفرض اگر بنده شخص مفرضی باشم عموم و کلاعه مردم و افکار عامه که مفرض نیستند البته افکار عامه حکم خواهد کرد که سلیمان میرزا راستی با شخص نصرت الدوله مفرض بود آنوقت ایشان فرمایشاتشان را تصدیق خواهید کرد که يك لجاجتی کرده ام و البته خدمات ملی کرده اند وهم چنین یکی از اشخاصی که آنوقت زنده باد خواهد گفت بنده خواهم بود و یکی از اشخاصیکه افتخار خواهد کرد از دو نقطه نظر یکی از نظر اینکه الحمد لله در مملکت ایران يك شخصی وزیر خارجه بوده که در موقع چنین کشمکشها بایک چنین فشارها حقوق ملت را حفظ کرده خدمات ملی نمایان کرده و آنوقت سر با آسمان خواهیم رسانید که الحمد لله يك مأمور محترم و يك وزیر امور خارجه عالی داشتیم که در يك چنین موقع خطرناکی حقوق ملت را حفظ کرده عرض کردم از دو نقطه نظر افتخار خواهم کرد يك نظر دیگر اینکه بنده هم از خانواده سلطنت هستم و البته خانواده سلطنت هم دومیته باید علاقمند باین مملکت باشند و چون هر قدر استقلال و قوه و

شوکت ایران روز افزون بشود مثل دوره های سابق (قبل از اسلام) مثل سلطنت سیروس و داریوش و اقتداراتی که صفویه داشتند و نادر شاه افشار و سلاطین بزرگ مملکت ایران که همه تاریخی است مسلماً اگر امروز هم دولت ایران تمام این افتخارات را داشته باشد البته شاهزاده دولت ایران سرش با آسمان می رسد و افتخار می کند که بلی من از يك خانواده هستم که آن خانواده دارای این مقاماتند البته بنده هم دومیته افتخار می کنم هم بواسطه اقتدار مملکت وهم بواسطه شاهزادگی و افتخار می کنم که الحمد لله منسوب بیک خانواده هستم که خدمتگزاران واقعی مثل شاهزاده نصرت الدوله مثل شاهزاده صارم الدوله و از این قبیل شاهزاده ها دارد اما تا خدمات خود را نفرمایند بنده مردم و اطلاعات من اوراق روزنامه است اگر دروغ یاراست است همین است بعامه مردم بفرمائید تارفع اشتباه از آنها بشود دیگر اینکه نصیحت فرمودند که خوب است اخلاقمان را تصحیح بکنیم و در مطالب دقت بکنیم و حقوق شناسی بکنیم بنده بهیچ وجه نمی فهمم یعنی چه ؟ اینکه من عرض میکنم مخالف با قرارداد هستم آیا برخلاف صلاحیت مملکت است آیا برخلاف اخلاق است اگر این مطلب يك خلاف اخلاقی است دیگر بعد از این نمیگویم و به بد اخلاقی معرفی نمیشوم اینجا جسارتی نشده فقط گفته شده این قرار داد که شما در آنوقت بسته اید بعقیده بنده بر خلاف مصالح مملکت بوده و شاید بعقیده تمام مردم حتی خود آقای مدرس که امروز موافقت میفرمایند در مسئله قرارداد موافق نبوده و حتی بعقیده خودشان که بیان حقیقت نوشته اند که بنده هم به خیال خودم همین حقیقت را می گویم در آن بیان حقیقت هم رفقای آنوقت ایشان همه طرف دار این هستند که آن قرار داد بر خلاف مصالح مملکت بوده امروز بایستی که آن قرارداد خانمان بر انداز را همان طوریکه دریده شده و لغو شده ولو بقدر خردلی هم باقی مانده باشد باید او را محو کرد گفته شد صحیح است و بنده خیلی خوشوقت شدم از این بشارت که حالا آقایان فرمودند که مستشار در مالیه آثار نمیکنند من تا بحال چنین می دانستم که فعلاً مستشارها کنار میکنند شکر الله خیلی ممنون هستم انشاء الله همین طور باشد ولی اگر بمن معلوم شد که هستند آنوقت چه عرض کنم امیدوارم که نباشند آقایان مسبوق هستند که بنده یکی از و کلاه پر حرف هستم و هیچوقت خسته نمیشوم و بزودی رها شان نخواهم کرد و هر وقت خسته شدند ممکن است بفرمائید آقای رئیس تنفس بدهند بنده عرایضم را فراموش نخواهم کرد خواه بعد از يك تنفس خواه بعد از دو تنفس و بعد از یک جلسه یا دو جلسه یا سه جلسه و آقایان را خسته نخواهم کرد بجهت اینکه این مطلب مطلب مهمی است و بعقیده بنده مسئله حیات و ممات مملکت ایران است از این مسئله اگر نصف دوره انتخابیه خوردن را هم حرف قلع و قمع این قرارداد بکنیم و اسمش را از میان ببریم ضرر ندارد برای

اینکه سابقه نشود در آینه بدانند يك هيئتى درموقع تعطيل مجلس حق بستن اين طور قرار داد ها را ندارند و همه وزراء آينه بدانند قبل از آنها يك چنین اقدامی کردند و و كلاء مجلس باندازه مجول بودند كه قبل از اینکه اعتبار نامه شان بگذارد ببعجله مثل اینکه از برای چیز گران بهائی وقت فوت میشود آری معلوم است از استقلال مملكت گرانها تر چیست بر علیه قرار داد اقدامات کردند و در آینه وزراء بدانند كه در ایام فترت حق بستن چنین قرار دادی را ندارند هر كس بسته باشد ملت ایران اورا به رسمیت نمی شناسد (گفته شد صحیح است) از این صحیح است ها خیل ممنون هستم و این همان جانی است كه میخواستم (یعنی نصیحت اخلاقی كه حضرت والا دارند بعد الله مؤثر شد) در مطالب اساسی هیچ وقت يك مخالفتی در مجلس نبوده بجهت اینکه برخلاف اساس ملیت است برای تدكار عرض می كنم كه در مجلس سابق دودسته بودند اعتدالی و دموكرات و هر روز با يكدیگر در مطالب مرامی به سختی كشمكش داشتند كه انتخابات چطور باید بشود مستقیم باشد یا غیر مستقیم مثلا قانون انتخابات چطور باشد از این گفتگو ها خیلی داشتیم ولی وقتی كه بدبختانه باز گفتگو رفت به خانواده سلطنت شاهزاده شماع السلطنه مرحوم و سالار الدوله و محمد علی شاه حمله باین مملكت كردند چون گفتگو راجع به مسائل اساسی بوده آيا يك نفر و كیل در آن موقع مخالفت داشت لا والله فوراً همین كه مسئله اساسی آمد مسئله دموكرات و اعتدال و سوسیال از میان رفت در سر لوجه تمام مرام نامه ها نوشته می شود ملت - وطن - حقوق - مشروطیت در آن دوره امتحانات خود را داده اند در این دوره هم كاملاً خواهند داد و حالا هم كه يك اختلافی داریم بنده میگویم مخالف هستم آقای سردار معظم و آقای مدرس موافق هستند آيا در چه موافق هستند در قرار داد خیر با وجود این كه هنوز به بنده نفرموده اند بنده از طرفشان میگویم در قرارداد موافق نیستند ولی شاید در ترتیب مذاكره و در جزئیات مطلب اختلافاتی باشد برای این قسم مطالب خواه قرارداد باشد خواه غیر قرارداد همین كه بر علیه قوانین اساسی و حقوق ملی باشد خواه كیل خواه افراد ملت عموماً بدون ملاحظه موافق هستند بنده اینجا از طرف عموم ملت میگویم كه قرارداد را برسمیت نمی شناسم پس در اینصورت اختلافاتی عرض كردم بنده تهمت به كسی نمی زنم و اینکه فرمودند مروا كراماً خیلی ممنون هستم كه جواب عرایش بنده را به بزرگواری خودشان صرف نظر فرمودند و فرمودند مروا كراماً امام تأسّم این لطف و مرحمت خیلی زود فراموش شدو پس از دو سطر نطق این اخلاق كریمه را فراموش فرمودند و شروع كردند به يك مسئله هائی كه بكلی برخلاف لطف و مرحمت بود باینك حرارتی فرمودند كه آقای آقا سید ضیاء مؤسس كابینه سابقه هم چنین كابینه سیه دار بشا و هم چنین با آقایان طباطبائی و شر كاه بنده بیشتر آشنائی

داشته اند می خواهم این مطلب را خدمتشان عرض كنم كه از اول آقا سید ضیاء هیچوقت باینده توافق نظر نداشته و یگانه دلیل برای این مسئله روزنامه های ایشان است كه اگر از اول روزنامه ها تا آخرش را بدقت مطالعه كنند می بینند كه يك سطر آن موافق عقیده سلیمان میرزا نبوده اگر مقصودشان از این آشنائی این بوده است كه در كوجه سلام میكرده و جوابش را میدادهم این مسئله شرعی است كه هر كس بگوید سلام عليكم مجبوراً باید گفت عليكم السلام و شاید در يك مجلس عمومی كبنده بودهم و ایشانهم در آنجا بوده اند همان طور كه خودشان فرمودند يك روزی پرده از روی كار سرداشته می شود اگر يك مجلسی سراغ دارند ببنده اطلاع دهند كه در يك مذاكره یادريك قرارداد با آقا سید ضیاء الدین شريك بودهم وقتی كه آقا سید ضیاء از قزوین تشریف میبردند انومبیل ایشان با بنده تلافی كرد ولی بعد الله خودش را ندیدم و فعلاً هم با آقای طباطبائی و سایر آقایان در اینکه قرارداد برخلاف مصالح مملكت است موافق والا يك تشكیلات حزبی ندارم هر ساعتی كه عقیده آقای طباطبائی مخالف بنده بشود با ایشان هم همانطور مخالفم و عقیده هم آزاد است بنده در كورتا با آقا سید ضیاء یا در حكومت سپهدار شركت نداشتم شكراً لله كه نبودن بنده در تهران این مسئله را واضح می كند

نصرت الدوله - شمارا نكتم .
سلیمان میرزا - پس ببخشید چون فرمودید شر كاه آقا سید ضیاء و بطور مطلق فرمودید حالا كه حضرت اشرف بنده را نفرموده اید كمال تشكر را دارم آقای طباطبائی یا سایرین هم البته از خود دفاع خواهند كرد مگر اینکه آن وقت حضرت والا يك لغتی فرمودند كه بنده كاملاً با ایشان موافق هستم و در این موضوع جزء شر كاه ایشان هستم و آن این بود كه تمام مامداران امور در ایام فترت باید معاكمه شوند البته تا يك چنین معاكمه نباشد مملكت و قوانین حفظ نمی شود من كاملاً طرف دار این مطلب هستم كه زمامداران امور باید تماماً در تحت معاكمه بیایند انصافاً ببیند چه مملكتی داریم ملاحظه فرمائید آيا در كدام يك از ادارات با همیت وزراء يك مطلبی را كه میخواهند مطرح كنند كتاب قانون میآورند در این موضوع قانون چه می گوید اگر همچو چیزی سراغ دارید بگوئید حتی در وزارت عدلیه كه خودشان در آنجا هم كار کرده اند فقط يك تصویب نامه از هیئت وزراء صادر میکنند كه بنا بر تصویب نامه هیئت وزراء بر حسب امر خود وزیر عدلیه فلان طور باید بشود عدلیه كه یکی از قوای سه گانه مشروطه و قوه قضائیه مملكت است (بنده بطور کلی می گویم) و نمیخواهم از مامورین عدلیه مدافعه كنم كه شاید اغلبشان قایل نباشند مسئول باشند و باید معاكمه شوند اما بطور کلی عرض می كنم و از قوه قضائیه مدافعه میكنم مقصود این است قوه قضائیه مملكت كه مهم ترین قوا است و حفظ حقوق تمام مملكت با اوست دست خوش امضای يك وزیر است هر وزیری آمد بدین اینکه بقانون اساسی نگاه كند می گوید قانون را

بیچاره گوش نمیدهند چنانچه همین جنك بین المللی كاملاً ثابت كرد كه این مجبتهای حقوق بیطرفی حقوق ملیت صحبت بیطرفی تمام اینها حرف و بازی بوده يك طرف بیطرفی بلژيك را منظور نداشت يكطرف بیطرفی یونان را و هر دو بر خلاف بیطرفی رفتار كردند و هر دو و هر سه باتفاق بیطرفی ما بیچاره هارا قبول نكردند و هر چه فریاد زدیم بیطرفیم از همه طرف بما بیچاره ها كه زور نداشتیم بدون استثناء حمله آوردند در دوره اول مشروطیت دولت روس و انگلیس معاومه بین خود منعقد نمودند كه بمعاهده ۱۹۰۷ موسوم گردید و يك معاومه خانمان سوز و ایران ویران كنده بود كه مجلس اول با تمام حسد آنرا نشناخت و حتی مواظبت كردند كه لفظ دولتین را بر زبان نیاورند برای اینکه تصور نشود كه معاومه ۱۹۰۷ و منطقه نفوذ دولتین را قبول کرده اند معذالك كلمه برخلاف تمدن و سیاست ملی بیطرفی ایران معاومه ۱۹۰۷ را بستند و با ایران هیچ مراجعه نكردند كه ما داریم ترا دو قسمت میكنیم در يك مملكت قدیمی كه تاریخ مشعشعی دارد با مصالاح خود ایرانیها شه هزار ساله و بقول اروپائینها سه هزار ساله است ملل متمدنه منطقه نفوذ از برایش معین كردند و از آن بدبختها نیرسیدند كه آيا شما انسانید اینطور رفتار كردند و حقوق ملت بی طرف را اینطور منظور داشتند این معاومه را مجلس اول با كمال قدرت و جلالت نشناخت و لكن ما بشناسیم یا نشناسیم فرقی نمیكنند آنها نیکه باید بشناسند شناختند ما هر چه فریاد میكنیم نمی شناسیم باین حرفها كسی گوش نمیدهد اگر سر نیزه داشته باشیم اگر قدرت داشته باشیم گوش میكنند والا آدمهای بی حقی باشیم تمدن بلی تمدن بعد از این تمدن یعنی ضربه اولی كه در دوره اول مشروطیت بما وارد آمد و معاومه مشومّه مملونه ۱۹۰۷ بسته شد و منطقه نفوذ معین گردید مجلس را توپ بستند و آنوقت باین اكتفا نكردند بعد از خراب شدن مجلس اول آمدن مجلس دوم و كلا خواستند به روسیه كه باشد بمصداق القریق تشبث بگل حشیش بدبخت مردم بدبخت و كلا كه در مقابل دول متمدنه ضعیف هستند و میخواستند بگویند ما هم حق زندگانی داریم هر روز گرفتار ترتیبات سابق بودند يك روز برای تأدیه فلان قرض عایدات گمر كات فلان جا را از دست می دادیم يك روز گرفتار منطقه نفوذ بودیم بیچاره و بدبخت ایرانی گرفتار تمدن شده مجلس دوم باینك مطالعاتی خواست يك اصلاحی برای این كارها بكنند درصد بر آمد كه اولاً باید دو چیز را انتظام داد كه روح مملكت است یکی مالیه و دیگری مسئله نظام زیرا بهر اصلاحی بخواهند بگوشند اول مسئله پول است چون برای هر کاری پول لازم است پول كه نداشته باشید باید دست خود را بطرف همسایه دراز كنید و بگوئید فلان قدر بمن قرض بده همینكه دست را دراز كردید فوراً يك شرایط خانمان بر اندازی باشما می كند بنابراین مجلس دوم خواست كه يك قدری از زیر بار این مطلب خلاص

شود مجلس اول هم در اینصووع خوب اقدام کرده بود یعنی بودجه را تعدیل کرده بودند و تقریباً يك توازنی در دخل و خرج حاصل شده بود آن اشخاصی كه همیشه آنتريك می نمایند اینجا است كه آن اشخاص ذكر میشوند یعنی اشخاص (حقوق بر) همه مسبوقند چه اقدامات كردند چه كارها كردند و شاید یکی از سبب های عمده موفق شدن محمد علی شاه بخراب كردن مجلس همانها شدند آقایان میدانند كی ها حقوق میبرند يك نمله هیچوقت حقوق نمی گیرند يك فقیر بیچاره يك كاسب بیچاره هیچ حقوق نمی برد همیشه زحمت می كشد و مالیات میدهد اما بدبختانه آنها كه در توی كالسكه ها در شكه ها و اتومبیل ها و قصر ها هستند آنها حقوق می گیرند اكثريت حقوق بر ها آنها هستند آنها حقوق میبرند كه يك شاهی از مالیات این مملكت را نمی خواهند بپردازند به هزاران صورتهای غیر مشروع مثل تعقیف یا مستمري یا مخارج سوار حكومتی از مملكت بدبخت پول می گیرند حقوق برها هستند كه قصور و عمارات عالیه می سازند آنها هستند كه این حقوقها را میبرند همان ها يكدفعه در مسجد شاه ریختند و فریادوا اسلاما بلند كردند و گفتند بما مقت نمیدهند بخوریم این برخلاف مسلمانی است مثل اینکه نمود بالله پیغمبر اكرم (ص) خدای نكرده يكشاهی از بیت المال مسلمین برده بود افتخار اسلامیت افتخار مذهب كه همه چیزش افتخار است یکی هم وجود مقدس رؤسای مذهب است كه عملیاتی در اوائل اسلام کرده اند مثل عملیات حضرت امیر (ع) كه وقتی برادر او عقیل میخواست حضرت امیر (ع) را دعوت كنند زحمت بكشد يك قرصه نان پس انداز می كند و آن وجود مقدس را دعوت می كند وقتیکه حضرت میبیند يك قرصه زیاد است عوض اینکه اضافه مواجب بدهند فوراً می فرمایند تو میتوانی بيك قرصه كمتر زندگانی بكنی فوری يك قرصه از ناناش كم میكنند این است اساس مذهب اسلام با وقتیکه طلحه و زبیر خدمت آن وجود مقدس شرفیاب میشوند كه يك ماموریت بگیرند والی بصره و كوفه یا فلان جا بشوند وجود مقدس فوراً چراغ را خاموش میكند و يك چراغ دیگر روشن میكند سؤال می كند برای چه این كار را كردید میفرمایند اولی مال بیت المال است كار بیت المال را رسیدگی می كردم و بحساب مالیه می رسیدم از پول بیت المال خرج كردم دومی از مال شخصی خودم است چون شما مهمان من هستید از مال شخص خودم مصرف میكنم با این اساس اسلامیت ...

تدبیر - این كه تاریخ مهاجرت نیست
سلیمان میرزا - همانطور كه آقای رئیس فرمودند بنده یكنفر و كیل هستم و در نطق آزادم

سردار معظم - بلی آزادی نطق برای همه هست

سلیمان میرزا - آيا میخواهم به بینم این اساس مقدس اسلامیت این مالیه كه باید اینطور در تحت انتظام بیاید كه آن وجود مقدس نخواست چراغ بیت المال را بمصرف برساند فوراً طلحه و زبیر خواستند و رفتند و جنك جمل و سایر ترتیبات را فراهم آوردند و گفتند اینجا پول و تمول و سایر راحتی هائست كسی

كه با خودش اینطور سخت گیرها میكنند دیگر بكسی پول نمی دهد باید رفت جای دیگر پیدا كرد در صورتی كه اسلامیت اینطور منور است اینطور نورانی است تمدن واقعی را دارد معذالك وقتیکه مجلس اول از حقوق اشخاصیكه چندین هزار تومان بود یا حقوق فلان كه صدویست هزار تومان بود كسر كرد و ماخذ حقوق را از دوازده هزار تومان بالاتر نبرد و فریاد و امندهبوا اسلاه بلند شد (ریختند تاریخ زیاد نمی گویم) و مجلس اول را بهم زدند در دوره دوم مجلس خواست اصلاحات مالیه را تكمیل كند بنابراین این بعد از خیلی دقت ها خواست بگوید كه خودمان بعضی چیز ها را نمی دانیم باید مستشار از خارجه بیآوریم باید هر چه نمیدانیم از آنها یاد بگیریم بدبختانه هر معلمی كه آوردیم بما چیز یاد بدهد از وظائف چیز یاد دادن تجاوز کرده مثلاً روز اول گمت كه امروز دوره مجلس حق ندادی باسرت حرف بزنی باید اینطور سلام بكنی كلاه ترا باید اینطور بگذاری كلاه ایرانی نباید سرت باشد و لباس هم اینطور نباید باشد (صحیح است) چیزهاییكه هیچ وظائف او نبود ولی چون كلاه او رنگ دیگر داشت و جزء متمدین محسوب میشد ما هم كه جزء متمدین شاید بودیم (اگر چه انشاء الله نیستیم) گفتیم باید یاد گرفت وزیر بار تعلیمات رفت ما مستشار خیلی آوردیم ولی آنها بوظیفه خودشان عمل نكردند یا اینکه وزیر وقت با آنها همراهی نكرد یا اینکه وزراء وقت با آنها موافقت نكردند چون این شخص را كه بعد اسم میبرم شخص كاری بود ولی كاری نكرد تشكیلاتی نتوانست بدهد خودش گفته بود تصعیر بامن نیست با من مساعدت نشد ظن غالب هم این است كه ا او مساعدت نشد (مسبو پترو) مستشار فرانسوی همین طور كه عرض كردم اطلاعات او بسیار خوب بود بیچاره آن عیبی هم كه عرض كردم نداشت مداخله در كار دیگران نمیكرد و میخواست از حقوق خودش تجاوز نكند شاید بوزیر وقت پیشنهاد كرد كه این قانون اینطور باید باشد وزیر وقت قانون را میگذاشت جزء كاغذهای توصیه آنها آخرین آن كاغذها و بنده كه از آقایان با از اعیان بودم یا جزء شاهزاده ها بودم مرا راضی میكرد كه فردا با او بدنشوم و پشت سراو بدنگویم اصلاحات پترو را دقت نكرد یگانه دلیلش هم این است كه مسبو پترو چیزی باقی نماند مجلس دوم بعد از مطالعات بسیار میدانست كه باید مستشار بیاورد ولی فكر این را میكرد كه رعایت نزاکت را بكنند و گفتگوی منطقه جنوب و شمال را نداشته باشد بعد از گفتگوهای زیاد كه وزارت خارجه با دول دیگر كرد و دوسیه اش آنجا است مستشارهائی كه از دولتهای دور بیطرفی مثل آمریکا و غیره آوردند

رئیس - ده دقیقه تنفس - آقایان موافق هستند (گفتند بلی)

در این موقع عموم نمایندگان برای تنفس خارج و پس از ده دقیقه مجدداً جلسه تشكيل كردید

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - آقایان البته فراموش

نفرموده اند که بنده صحبت راجع به مجلس دوم بودم از مطالعات برای اینکه چند چیز را در نظر گرفته باشد یکی اینکه معلوم داشته باشد معاهده ۱۹۰۷ را تصدیق نکرده و دیگر اینکه یک حسی بر علیه اروپائی نشان نداده باشد چنانچه امروز این صحبت هائیکه بنده می کنم که تمن فلان یا مستشار هافلن اقدامات را کردند یک حسی بر علیه اروپائی نیست (صحیح است) این حس بر علیه تجاوزات آنهاست معنی این احساسات آن نیست که ما نمیخواهیم مستشار از اروپا و سایر ملل داشته باشیم گفتگودر این است که ما نمیخواهیم اشخاصی که داخل خانه ما شده اند از حدود قرار دادی که با آنها بسته شده تجاوز بکنند اگر از یک دولتی مثل انگلیس یا غیر انگلیس مستشاری در زایون بود آیا بر خلاف آن قراردادش رفتار میکند اینطور آماره رفتار میکند خیر ما می خواهیم بگوئیم که امروز یک مملکتی هستیم دارای حقوق مشروطیت در قرن بیستم که قرن تمدن است و صحبت از حمایت ملل ضعیفه است می گوئیم اشخاصیکه این اظهارات را می کنند عملشان و مأموریشان و اعمالشان مطابق ادعاهایشان باشد و آنطور رفتار کنند که یک مستشار در دودول مساوی القوه رفتار می کند اگر مأمورینی از فرانسه یا انگلیس یا از انگلیس بفرانسه بروند چطور رفتار می کنند همانطور که آنجا رفتار میکنند در مملکت ما رفتار کنند ما هم که یک قسمت از این دنیا هستیم حق داریم بگوئیم مملکت خودمان را خودمان اداره می کنیم مثل سایر ملل دنیا ذیق هستیم از هر جهت استقلال داریم مشروطیت ما قانون اساسی داریم همان حقوقی که سایر ملل دارند از برای ما هم از روی انصاف باید اجرا شود چیز دیگر نمیگوئیم البته ما احتیاج داریم که ادارات خودمان را موافق ترتیبات امروزه دنیا اداره بکنیم نواقص را تکمیل بکنیم و محتاج به ملین هستیم اما فقط و فقط این صحبت را که امروزه بنده می کنم و خیلی اسباب زحمت در این هوای گرم ظهر می شوم برای تجاوزات آنها است که از حدود خودشان تجاوز کرده اند باری مجلس دوم بعد از مطالعات مصلحت است مستشار هائی از جاهای دوردست با یک نظر عمیق استفاده کرد از برای مالیه از آمریکا از برای ژاندارمری و نظمی از سوئد از برای عدلیه از فرانسه و سابق هم مأموریتی از صاحب منصبان روسی داشتیم مستر نیورام از برای تلگراف خانه مجدداً استخدام کردند در حقیقت مجلس شما خواست نشان بدهد که با همه ملل هیچ نظری غیر از نظریه ارتباط دوستی و یگانگی ندارد و میخواهد از معلومات آنها استفاده کند امروز که قرن تمدن است مثل سایر دول اداراتش را منظم بکند انصافاً نباید فراموش کرد که مستشاران مالیه مخصوصاً رئیس آنها مستر شوستر و مستشاران ژاندارمری و قوای امنیه و نظمی رئیس آنها چه در نظمی و سدها و (آریکسین ویریگدال) چه در ژاندارمری (یالمارش) خوب از عهده وظایفشان برآمدند مأمورین فرانسه هم در

دروازت داخله و عدلیه مشغول اقدامات خودشان شدند که قابل تمجید است مخصوصاً مأمورین مالیه و ژاندارمری انصافاً قابل تقدیر بودند و البته هیچوقت گمان نمی کنم از تاریخ ایران محوشود مجلس آن وقت هم کم کم خود را با مأمورینی که کاملاً وظیفه خودشان را عمل می کردند میکرد و از آنها همیشه مساعدت کرد دولت حاضر را و امید داشت با آنها مساعدت کند آنها هم انصافاً در ظرف مدت کمی مالیه مملکت را بطرف اصلاح آوردند البته مملکت ما را که ژاندارمری و نظمی باشد مرتب کردند چنانکه امروز آثار آنها در ژاندارمری و نظمی و بعضی جاهای دیگر باقی است ولی چه باید کرد که آخر مجلس دوم منتهی شده بیکسئله که هیچ وقت از این یک نفر ایرانی فراموش نخواهد شد هیچ وقت در تاریخ ایران این سئله مسکوت نه نخواهد ماند منتهی شد بیک (اولتیماتوم) خانمان برانداز برای اینکه مستشاران مالیه که انصافاً برای مملکت ما خدمتگزاران واقعی بودند و مالیه ما را مشغول اداره کردن شده بودند خارج کنند در روی این منبر نطق در روزیکه همه قسم احتمال خطر داشت اشخاصیکه حالا اسم نمی برم مشغول شدند بقدا کاری و واقفاً تا آخرین ساعات عمر خودشان در مسئله حفظ مستشاران مالیه کوشیدند (صحیح است) اما هیچوقت ضعیف مقاومت با قوی نخواهد کرد بالاخره با کمال تأسف ما را مجبور کردند و مستشاران مالیه را از دست دادیم و اگر هر آینه مستشاران مالیه با آن جدیتی که در آن تاریخ مشغول کار بودند موفق شده بودند مالیه مملکت را کاملاً اصلاح کرده بودند و هیچیک از این ترتیباتی که امروز برای ما پیش می آید اتفاق نیفتاد و ما را مجبور بقرضها نمیکرد شوستر با آن پیشنهاد هائی که کرده بود هیچوقت فراموش نمیشود که بعضی از آنها در مجلس مطرح مذاکره شده بود و بعضی از آنها در منزل بعضی از و کلاء از جمله در منزل بنده هست البته مالیه را اصلاح میکرد اما انصافاً اشخاص با تمدن با ما همراهی نکردند مخصوصاً حکومت تزاری با یک فشاری مملکت ما را مجبور کرد که آنها را از دست بدهد اهالی هم در وقت حرکت شوستر خیلی قدر شناسی از آنها کردند اما چه فائده هیچ اثری نکرد مجلس دوم خود را تا آن ساعت آخر برای خدمتگزاران واقعی مملکت فدا کرد (صحیح است) با این امتحان تمام دنیا فهماند که ایرانها خدمت یا مسامحه کاری را خوب تمیز میدهند چه مجلس شورایی و چه افکار عمومی قدر مستخدمین وفادار و خدمتگزاران واقعی را میدانند این بود که تماماً برضد این اولتیماتوم حق شکنانه که برخلاف تمام حقوق بین المللی بود کوشیدند اما نتیجه این کار چه شد منتهی شد به برهم زدن مجلس این نعمت را از ما بردند و بهر طرف که تلگراف کردیم و فریاد کردیم که ما ملتی هستیم میخواهیم مملکت خودمان را اداره کنیم هیچ فائده نکرد متأسفانه کسی با ما آنطور که باید مساعدت بکند نکرد نتیجه کار چه شد صاف و ساده مجلس منحل و یک وزیری که همه خوب میشناسند و امروز نمیخواهم که اسم او را ببرم بیک ترتیباتی اولتیماتوم

را قبول کرد و آن اشخاصیکه آن اولتیماتوم را قبول کردند تا آخرین ساعت که جانم باقی باشد میگویم باید محاکمه شوند آن بیچاره ها در آن موقع چه کردند وقتیکه تمام قوای مملکت و ملت و مجلس متفقاً دفاع کرد پیش نبرد آنها چه بکنند آن وزیر هم خواهد گفت همه شما با اتفاق متحد شدید و نتوانستید پیش ببرید من یک نفر قبول کردم فقط ایرادی که من میگویم این است که تو هم میخواستی با ما استعفا کنی البته هیچیک از مردم این یادگار را فراموش نمیکند و بالوراته با اولاد خودشان نسلاً بعد نسل میسازند که یک ظلم و تعدی با ما شده اند و هیچوقت فراموش نکنید چنانچه منکه اولاد ندارم بخانوادهام همیشه گفته ام البته زاردمه تکرار کرده ام اقرار میکنم که بنده یکی از آن اشخاصی هستم که کاملاً بر علیه این اقدام و بر علیه اقدام گفته بودم هر چند میدانم در مبارزه کمتر از پشه بودم که بخوانده اعلان مجاربه با شیر بکنند البته طرف مقابل هم خوب میشناخت که این اشخاص عده معدودی هستند که بیشتر از همه داخل این مسئله میشوند کی ها هستند چنانچه یگانه شاهد این مطلب رجوع بکتاب آبی است در تلگرافاتیکه مرحوم سردار اسعد ترجمه کرده اند خواهید فهمید اغلب اشخاصیکه در آن دوره تبعید شده اند نه تنها دمورات بوده اند اشخاصی بوده اند که بیشتر اظهار حرارت کرده و بیشر و افکار ملت بودند آنها گرفتار و تبعید شدند شاید حکومت تزاری باین هم راضی نمیشد که آنها در داخل مملکت گرفتار باشند و خیلی ترقیات دیگری را مایل بود اما بحمدالله موفق نشد البته در ضمن این وقایع مسبوق هستید که حکومت تزاری مخصوصاً با ما چه رفتارها کرد و چطور معامله کردند هر چند خیلی از آقایان میگویند موقع این صحبتها نیست ولی بنده موقع پیدا کرده ام آنچه در قلم دارم بگویم (گفتند صحیح است) میدانید که حکومت تزاری نه احترام اما کن مقدسه ما را نگاهداشت (گفتند صحیح است) و نه احد ترام ملیت ما را منظور داشت با همه تمدن قرن بیستم یکی از بهترین بقاع اسلامی بخصوص بقعه حضرت رضا علیه آلاف التحية والثناء را بتوب بست کتابخانه آن مکان مقدس را که یکی از آثار تاریخی مملکت ما بود در آذربایجان در مقبره شاه صفی کتابخانه قدیمه اشرا بتاراج برد که شاید هنوز در موزه های روسیه و سایر نقاط آن قطعات تاریخی که آثار زندگانی ملیت ما است و بیاد یفا برده اند باشد این صدمه اترا با بدبخت ملت چرا وارد آوردند فقط برای اینکه ضعیف هستیم و باید اشخاصی که همه قسم ادعای حمایت ضعیف را میکنند با ما اینطور رفتار کنند وارد شدند در تبریز شهر دوم مملکت ما با یک قسمتی از هم عقیده های ما که بر علیه اولتیماتوم بودند مثل مرحوم ثقة الاسلام و سایرین آن اقدامات را که میتوانم با کمال نزاکت بگویم وحشیانه بود هیچ متناسب با تمدن قرن بیستم نبود اجرا داشته از صلب و اعدام هیچ چیز فروگذار نکردند چنانچه پروفوسور برون اکثر آن صورتها را در کتاب خودش جمع کرده و دارد (چه باید کرد) بلکه اشخاصی در اروپا هستند که بتنهائی دارای خیالات خیلی عالی هستند و ضعیف و قوی را فرق نمیگذارند مستشرقین در تمام ممالک

مثل پروفوسور برون هستند اما چه میتوانند بکنند معلوم است بعد از این ترتیب البته آن اشخاصیکه بر علیه اولتیماتوم بودند هر جا بدستشان می آمد آیا غیر از معامله که با مرحوم ثقة الاسلام و سایرین کردند چه میکردند اگر قشون روس وارد تهران میشد آیا با ما بطور مرحمت رفتار میکرد آتیه ما و مقدرات ما در همان تاریخی که قشون تزاری روس بداخله تهران میرسید متعق بود و مثل روز روشن بود که عکسهای ما را پروفوسور برون در کتاب روزنامه خودش باید چاپ کند و در پایتخت ایران هم صلب و اعدام و آن ترتیباتی که در سایر قسمت های مملکت ما کردند مجرامشند یانه زیرا سلیمان میرزا یا مساوات و سایر مهاجرین مثل آقای مدرس آقای طباطبائی و آقای ملک الشعرا هیچکدام امتیازی بمرحوم ثقة الاسلام نداشته و همان فرس ما زرو همان کاریکه حکومت نظامی در تبریز کرد در تهران هم میکرد آنوقت چه میشد آنوقت بازماندگان من مثل من در اینجا روضه میخواندند چنانچه بنده الان آن وظیفه را مشغول هستم و مدتی وقت آقایان را تلف کردم و قدری از تراژدی و قدری از مظالم کلی که باین مملکت بدبخت رسیده عرض کردم این بود روزگار ما و باز هم معلوم نیست که روزگار ما چطور میشود شاید باز هم آن روز تکرار شود نباید گفت و نباید نهدت بعد از این ترتیب آمدیم دوره سوم مجلس جنگ بین المللی شروع شد متأسفانه از برای ایران بلکه برای تمام عالم یک جنگی که شاید در تاریخ نمونه اش تا بحال دیده نشده و فکر بنده حاضر است که بداند علت سیاسی آن چه بوده یا بگویم تقصیر از کدام طرف بوده هر کس مسبب او بوده نمیدانم لکن اثراتش این شد که صدماتی چه از حیث نفوس و چه از حیث ثروت و از حیث تمدن و از حیث ترقیات دیگر که شاید قرنها بگذرد و نتوانند جبران کنند بتمام وارد شد مملکت ما در این تاریخ یک سیاست بیطرفانه اتخاذ کرد اعلیحضرت همایونی که یگانه باعث امیدواری مملکت و یگانه افتخار خانواده هستند که بنده بآن منسوبم از این نقطه نظر میگویم که ایشان همه قسم در این مسئله تأکیدات فرمودند و همیشه با نهایت جدیت رعایت بیطرفی را میفرمودند و مجلس هم تا آنوقتیکه بود رعایت بیطرفی را کرده معذالک معامله دو طرف داشت ما که ضعیف بودیم بیطرف بودیم ولی آنها که قوی بودند مثل سایر اقویا بیطرفی ما را قبول نداشتند ظاهر آ می گفتند بیطرفی ما را قبول دارند اما باطناً بیطرفی ما را قبول نکردند قشون ترکیه در تحت ریاست حسین روف بیک از یکطرف وارد مملکت ما شد جنگ حسین روف بیک را همه بهتر می دانند که در آنوقت مجلس بود اول شکستی که بر بیطرفی ما وارد شد این بود هر چند روسها کدر مملکت ما بودند در هر صورت از دو طرف روسها و ترکها وارد مملکت ما شده بودند و اول کسی که بیطرفی ما را منظور نداشت حسین روف بود که با یکمده وارد شد و خیالاتی که داشت چه بود و چه نبود نمی دانم داخل در تنقید و تصدیق آن خیالات نمیشوم و مربوط ببنده نیست همین قدر که می گویم صدمه زدند و یک قسمت مملکت ما که کرمانشاه بود مسئله

حسین روف بیک در آنجا اتفاق افتاد عموماً ایلات بخصوص سنجابی ها که مثل بختیاری ها هستند و همیشه این دوایل در مشروطه امتحانات خودشان را نشان داده اند فداکاری کرده اند باز موقع امتحان برای سنجابی ها رسید بی مضایقه اقدام نمودند و حفظ قومیت خودشان را کردند و آتندر که میتوانستند جنگیدند و بالاخره هم موفق شدند و حسین روف بیک را از آنجا بطور رسمی و غیر رسمی با وجود آنکه دولت بیطرف بود بیرون کردند پس اول کسی که تفنگ برداشت و جنگ کرد آنها بودند آنوقت مجلس هم بود ولی این را بر خلاف بیطرفی حساب نکردند و حالاهم حساب نمیکند چرا که ما بیطرفیم اما وقتیکه دیگری بیطرفی ما را منظور نمیدارد حق دفاع داریم تنها ما نیستیم بلژیکی ها هم همینطور وقتی که با آنها هجوم شد تا آخرین نفس تفنگ دست گرفته جنگیدند و بی طرف هم بودند و شاید هم هنوز تمام دنیا آنها را بیطرف میدانند و یکی از گفتگوها یکه راجع باینک تقض شده منتهی مملکت ما تقصیرش این است که ما آسیائی هستیم در این جا گفته شد که آخر مملکت ایران بیطرف است غرض این است که از طرفی بطور تساوی بیطرفی ما را مختل کردند در روسیه که از اول حکومت تزاری بود این صحبت های مشروطیت را از اول نداشت حکومتی بود سیاه و واقفاً سیاه از آن سببها یکه بنده هیچ لعنتی برایش پیدا نمی کنم که بگویم حتی از افضل التذیل بالاتر بزرگوار تمام آزادخواهان دنیا را در هر جای پیدای کرد خواه در مملکت ما خواه در مملکت خودش معلوم می کرد مثل تبریز و سایر جاها کردند آنچه کردند جلو آمدند هر چه گفتگو شد با مجلس شورایی گفتگو کرد با وزیر گفتگو کردند اثر نکرد آنچه البته بجائی نرسد فریاد است البته جواب سرنیزه را سرنیزه میدهد جواب سرنیزه را حقوق بین المللی نمیدهد البته سرباز در تحت یک اجباری است که باید بیالا دستش بگوید بله رئیس و وزیر دستش امر بکنند و چون آنوقت هم کاملاً حکومت نظامی بود فریادهای و کلاء یا وزراء بلند شد که ما بیطرف هستیم یکوقتی قوی ترین ملل دنیا بودیم چه کردیم و چه افتخارات تاریخی داریم فائده نکرد سرنیزه بود که جلومی آمد تا نزدیکهای تهران هم رسیدند از قرون هم گذشت در این موقع یک عده محققاً میدانستند این اردو باین ترتیب که پیش می آمد روز ورود بتهران آن روزی است که آخرین ساعات زندگانی آنها خواهد بود آن روزی است که بتجاه دولت آنها را محافظت کند آن روزی است که هیچ حقوق بین المللی هیچ حمایت مظلوم هیچ از این گفتگوها بخرج نمیرود و ما می دانستیم هر یک از صاحب منصبان روسی در پایتخت مملکت یک دسته از کلاء یا غیر و کلاء را خواهند گرفت و در میدان توپخانه یا میدان مشق بدار خواهند زد فقط یک اثراتی در آتیه خواهند داشت چنانکه امروز من برای آذربایجان می گویم چون بعد هم می گفتند مسئله بیطرفی است مضایقه ندارم از نظر منهی و از نقطه نظر ملیت و از نقطه نظر حفظ جان بود آیا اگر امروز پنج نفر از کلاء بدون اجازه از

آنها هم مشغول تبلیغات بودند که بر خلاف بیطرفی بود بعضی بواسطه قشون بعضی بواسطه تبلیغات فقط در این میدان مبارزه یک قسمت سیاسی یک قسمت نظامی از طرفی مشغول کار بودند خیلی اتفاق هم افتاد نمیخواهم طول کلام بدهم و به آقایان بآن زحمت بدهم همه قسم اتفاقات در مملکت ما افتادند احترام سفارتخانه ها منظور شد بعد از رفتن مایک سفیر یک دولت بزرگ اسلامی را گرفته و تبعید کردند نه احترام موسسات ملی منظور شد نه سایر احترامات منظور شد سرنیزه شان هر چه می خواست می کرد باز هم اجازه بدهید یک قدری جلو میروم البته فراموش نفرموده اند که در موقع التیاتوم حجاج اسلام و علمای مذهب اسلام فتوی دادند مقاومت بر علیه این حکومت تزاری را یکی از مسائل مقدمه مذهبی و وظیفه هر مسلمانی دانستند و خودشان هم حرکت کردند چنانکه در این حرکت همه میدانند یکی دو نفر از روسای آنها رحلت فرمودند و البته درجاتشان عالی است و اقداماتی کردند و بهمه جا فتاوی منتشر کردند که همه میدانند اگر بخوایم همه را شرح و هم اسباب زحمت آقایان می شود در موقع جنگ عمومی و بین المللی هم ما را مطالب تکرار شد چنانچه علاوه بر گفتن عمل هم کردند در عراق عرب علماء آنجا تقریباً قریب به عمو باتفاق کلیه به فریاد رفتند و جنگ کردند کشته شدند و به تمام ترتیبات اقدام کردند و تمام وظائف مذهبی خودشان را انجام دادند پس آنها هم اشخاصی بودند که بر علیه مذهب و بر علیه ملیت ایران قیام کردند اقرار میکنم هیچ ملاحظه ندارم بلکه یکی از خدمات ملی خودم می شمارم ماها وقتیکه سابقه اعمال حکومت تزاری و طرفیت آنها را با خودمان میدیدیم آخرین ساعات عمر خودتان را معرفی ورود آنها میدانستیم وقتیکه اردو به کرج چند فرسخی تهران رسید در آن ساعت بدون استثناء مثل سایر مواقع فوق العاده همه حاضر برای فرار شدند چون در مقابل این صدمات که ظلم و حق ناشناسی که حکومت تزاری به اهالی ایران میکرد حکومت ایران میخواست خود را بکنار بکشد زیرا میدانست هیچ عقاید سیاسی و حقوقی جلو این اردو را نخواهد گرفت تنها یک عده اول فرار کردند که بنده هم جزء آنها بودم فرار کردم اگر بگوئیم مثل یک نفر واعظ حرف میزند و واضح خواهد گفت آن فرار را از قبیل الفرار ملا یطاق من سنن الانبیاء والمرسلین میدانستم معلوم است هر کس زورش نمیرسد چه باید بکند بنده را میکشند (بصیداق لانتقوا باید کم الی- لتلهک) باید فکری برای خود بکنیم معلوم است آن ساعاتی که قشون روسی وارد تهران میشود یک جماعتی در میدان توپخانه و میدان مشق بدار آویخته میشدند پس آن جماعت عقلاً و شرعاً و عرفاً وظیفه شان این بود که قرار اختیار کنند این فرار آنها برای این بود که خودشان را خلاص کنند خوب آ یا این فرار آنها بر خلاف حکومت ملی بود بنده عقیده خودم را عرض میکنم هر کس هر چه میخواهد بگوید آن فرار آنها از نقطه نظر منهی و از نقطه نظر ملیت و از نقطه نظر حفظ جان بود آیا اگر امروز پنج نفر از کلاء بدون اجازه از

مجلس در هر موقعی که باشد غیبت یا مسافرت نکنند
بر خلاف حکومت ملی اقدام کرده اند (گفته شد
مربوط بموضوع نیست مغالطه نکنید).

سلیمان میرزا - اجازه بفرمائید حرفم را بزنم

هر چه از این فرمایشات بشود من مطالبم از یادم نمیروم
اجازه بفرمائید حرفم را بزنم و اگر مغالطه میکنم
بفرمائید مغالطه میکنی بنده هم تصدیق میکنم یک قسمت
از این اشخاص در ۲۷ ذیحجه که بنده هم جزء آنها بودم
فرار کردند یک قسمت دیگر بعد از رفتن ما به قم حرکت
کردند نمیدانم با توافق کردند یا نه یک قسمت دیگر هم
بعد از آنکه در قم بودیم گویا در هفتم ماه محرم حرکت
کردند تقریباً دو نلث و کلاه آمدند به قم از مهم تر
این بود که شنیدم کالسکه شخصی بشخص اعلیحضرت
همایونی خلدانته ملکه و سلطنته راهم حاضر کردند و
اگر غیر از این بوده آقایانیکه در آن جا بوده اند می
توانند تکذیب کنند (بنده شنیدم صدق و کذیب را
آقایانیکه در طهران بودند بهتر میدانند شنیدم شخصی
اعلیحضرت امر بجزرت فرمودند و کالسکه سلطنتی را
حاضر نمودند نایب الحکومه یعنی نایب السلطنه هم تعیین
شد و گفتند وزراء هم حرکت کردند و خواهند آمد
و حتی در قم یک تلگرافی آمد که اعلیحضرت همایونی
حرکت کردند بنده ایتطور شنیدم لکن بعضی تغییرات
سیاسی یا از طرف مأمورین سیاسی یا از طرف اعیان
واشراف پیش آمده که از حرکت فرمودنشان منصرف
شدند در این موقع مصادف شد حرکت کردن ما با
حرکت کردن یک عده از سفارت خانهای طرف مخالف
و یک عده اشخاصی که از طرف مقابل در ایران بودند
یعنی بنده وقتی به قم می رفتم چند نفر از صاحب منصبان
آلمانی هم در آن راه حرکت میکردند بنده آیامی توانستم
جلو آنها را بگیرم و بگویم آقا بنده از ترس روسها
فرار کردم شما فرار نکنید تصادف بود شاید هم از
روی غیرواقع بود بالاخره آنها هم حرکت کردند و
رفتند ما هم حرکت کردیم و رفتیم حالا اگر تصور
بفرمائید این مغالطه است بنده عرض میکنم ماها از
نقطه نظر خودمان بعضی کارها کردیم حالا اگر بفرمائید
در آنجا مصادف شدیم با آنها و رفتیم به قم شاید در این
جا بعضی آقایان بفرمایند بعد از آنکه شاه حرکت
نفرمودند و بعضی از آقایان هم مراجعت کردند و یک
عده از او کلاه را که ۳ نفر بودند از طهران فرستادند
که در کاشان بما رسیدند که یکی از آنها عدل الملک
و یکی ارباب کیخسرو و یکی میرزا قاسم خان بودند
(و آقای ارباب کیخسرو الان در مجلس نیستند و نمیدانم
امروز چرا تشریف نیاوردند) بالاخره ایشان آمدند و ما
وقتی که با اصطلاح در قم مشغول جنگ شدیم روسها
پشت سر ما میآمدند و هر وقت بما میرسیدند معامله
آذربایجانیهارا با ما می کردند آیا باید من بایستم و
دستم را به بندم و بگویم من بیطرف هستم بیآئید سرم
را ببرید این یک چیزی بود که من نتوانستم بکنم و
اگر هم میکردم از روی حماقت بود در آن موقع

باندازد یک ماه و کسری یک کمیته دفاع ملی درست شده بود که
بنده هم در آن هیئت سمت ناظمه داشتم و بر علیه روسها
همه قسم اقدامات کردم چنانچه بر علیه هر مملکت اجنبی
که بخواند در این مملکت داخل شود اقدام خواهم
کرد و صریح میگویم اگر چه خطر هم برای من داشته
باشد این بود که یک مقداری عشاير و یک مقداری از
قوای دولتی و یک مقداری از قوای متفرقه بما کمک کردند
منکه میخواهم از خود دفاع کنم هیچ فرض نمیکنم که
آن سر بازی که میخواهد از من دفاع کند آیا اخلاقی
چطور است میخواهم او برود جنگ کند نه اینکه
داخل در اخلاق آنها بشوم تقریباً چهل روز یا سی روز
خاطر من نیست اقامت کردیم بعد آنها هی جلو آمدند
ما هم عقب می رفتیم شاید نصف آقایان یا ثلث آقایانیکه
این جا هستند باینده در این مسئله شریک بودند تمام
دفاع از جان و مال خود میکردیم از زرنده گانی خود می
کردیم این جا تقریباً گفتگوی حفظ مملکت از بین
رفته بود گفتگوی این بود که هر کس خودش را خلاص
نماید و حفظ کند در این عقب نشینی فرار چون آنها
قوی بودند و ما ضعیف از ما هر چه بدست می آوردند
می کشتند خواه اسمش قوای دولتی بود خواه قوای
ملتی بکلی برخلاف همه بودند و مثل سیل جلومی آمدند
معلوم است مثل مسئله چنگیز خان سوختند و غارت کردند
رفتند و هر کاری خواستند کردند و ما هم هر قدر
توانستیم عقب رفتیم تقریباً ۳ ماه بنده از سایرین دور
مانده بودم ۳ ماه ما بین بنده و اردوی روسی که مارا
تعاقب کرده بودند یازده فرسخ فاصله بود در نزدیکی
خرم آباد و پروجر و راههای جنگل و غیره همه جا
عشاير با ما کمک میکردند بالاخره در بیست و نهم حوت
رسیدیم به قصر و در آنجا به سایرین ملحق شدیم و از
آنجا ترتیباتی برای ما درست شد.

رئیس - جلسه را اگر آقایان موافق باشند
بماند برای دو ساعت قبل از غروب چون ایشان خیلی
نطق کردند و می گفتند ساعت باید نطق کنم دو ساعت
گذشته است دو ساعت دیگر باقی است آقایان خسته
شده اند ایشان هم باید خسته شده باشند آقایان
موافق هستید؟

سر دار معظم - بلی چون یک ساعت از ظهر
گذشته است بنده هم موافقم خوب است حالا جلسه
ختم شود و باز دو ساعت بغروب مانده شروع شود تا
هر قدر از شب گذشته و این بلیطها هم برای تماشاچیها
اعتبار داشته باشد (مجلس تصدیق کردند)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب اجازه نطق.
آقا سید یعقوب - عرض بنده این بود که ممکن
است حضرت والا نفس تازه کنند باز ۴ ساعت دیگر
صحبت کنند.

رئیس - آقای مدرس اجازه نطق.
مدرس - عرضی ندارم و با میل آقایان موافقم.
رئیس - پس جلسه می ماند برای دو ساعت
بغروب (مجلس یک ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس - مؤتمن الملک